

بررسی تعارض آیات مرتبط با خلقت جهان در شش دوره

محمدحسین برومند*
غلامرضا مرتضوی**

چکیده

در میان آیات قرآن در مورد ادوار زمانی خلقت آسمانها و زمین تناقضی ظاهری دیده می‌شود؛ این ادوار زمانی در آیات ۱۲ - ۹ سوره فصلت هشت روز و در آیات دیگر شش روز است. در این رابطه، برخی مفسران تعارض مذکور را مطرح نکرده و در نتیجه به دنبال پاسخ نبوده‌اند و سایر مفسرانی که تلاش کرده‌اند این تعارض را حل کنند بر این اساس که هدف خدای متعال در این سوره بیان تفصیلی شش روز بوده است یا نه، راه‌حلهایی ارائه داده‌اند. این مقاله از یک سو سعی دارد به نقد آراء مفسران بپردازد و از سوی دیگر این تعارض ظاهری را بر مبنای تمایز عالم «خلق و امر» بزداید. بنابراین بر اساس اینکه در آیه دهم «جعل رواسی» و «تقدیر اقوات» که در چهار روز انجام شده است، مکمل خلقت است نه اصل خلقت، دو دوره‌ای که در ادوار آفرینش آسمانها و زمین از سوی خدای سبحان مسکوت مانده و مورد اختلاف مفسران است، به اتیان آسمانها و زمین مربوط است که در آیه یازدهم بدان اشاره شده است.

واژگان کلیدی

خلقت آسمانها و زمین، سته ایام، امر و خلق، اتیان آسمانها و زمین.

m.h.baroomand@yazd.ac.ir
salmanfarsi495@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۹

*. دانشیار دانشگاه یزد.
**. دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور واحد قم.
تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۰

طرح مسئله

خدای متعال در قرآن هر جا به طور مطلق از ادوار خلقت آسمان‌ها و زمین سخن گفته، تعبیر «سته ایام» را به کار برده است، طبق این دسته از آیات (اعراف / ۵۴؛ یونس / ۳؛ هود / ۷؛ فرقان / ۵۹؛ سجده / ۴؛ ق / ۳۸؛ حدید / ۴)^۱ خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز بوده است اما اگر مجموع آیات ۱۲ - ۹ سوره فصلت^۲ در نظر گرفته شود، از هشت روز یاد شده است.^۳ این قضیه به عنوان یک تعارض در میان آیات قرآن مطرح است. در اینجا این سؤال مطرح است که راه حل رفع این تعارض چگونه است؟

برخی مفسران تعارض مذکور را مطرح نکرده و در نتیجه به دنبال پاسخ نبوده‌اند به این صورت که یا تنها به بیان معنای یوم پرداخته (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۷ / ۳۱۴؛ مصطفوی، ۱۳۸۰: ۱۵ / ۱۹۵) یا افزون بر توضیح واژه «یوم»، در مورد «اربعه ایام» آن را به فصول چهارگانه تفسیر کرده‌اند اما روشن نکرده‌اند که ارتباط آن با خلقت آسمان‌ها و زمین چیست؟ (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۱ / ۳۵۵؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۴ / ۳۹۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۵۳؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۲۶۲) برخی نیز گفته‌اند «اربعه ایام» یا در دو روز خلقت زمین تداخل دارد یا چهار روز غیر از آن است (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۴۸۳) در هر صورت هیچ یک از آنان اشاره‌ای به تعارض مذکور نکرده‌اند.

بررسی آراء مفسران

آراء مفسرانی که تلاش کرده‌اند تا این تعارض را حل کنند به دو دسته قابل تقسیم است:

۱. - إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ (اعراف / ۵۴)؛
- إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ (یونس / ۳)؛
- وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ (هود / ۷)؛
- الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسُئِلَ بِهِ خَبِيرًا (فرقان / ۵۹)؛
- اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (سجده / ۴)؛
- وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ (ق / ۳۸)؛
- هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ. (حدید / ۴)
۲. قُلْ أَنْتُمْ لَكُمْ كُفْرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَانَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلنَّاسِ لِيَوْمٍ * ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ * فَفَضَّنَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ. (فصلت / ۱۲ - ۹)
۳. برخی مفسران به معنای «یوم» در آیات مذکور اشاره کرده‌اند که یک دوره زمانی است؛ زیرا زمانی که خدا آسمان‌ها و زمین را خلق کرده است یوم به معنای امروزی مطرح نبوده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۲۲۵)

۱. برخی معتقدند خدا بنا نداشته است که در آیات سوره فصلت مجموع شش روز خلقت را تفصیل دهد که از این جهت، این دسته از مفسران با یکدیگر اختلاف نظر دارند:

نظر عده‌ای از آنها بیانگر آن است که در سوره فصلت تنها به چهار دوران از مجموع شش دوران اشاره شده است: طبق این نظر، «اربعه ایام» در آیه «وَجَعَلَ فِيهَا رُؤُوسًا مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ» اشاره به آغاز خلقت نیست، بلکه به فصول چهارگانه اشاره دارد که مبدأ پیدایش ارزاق و پرورش مواد غذایی انسان‌ها و حیوانات است. (تفقی تهرانی، ۱۳۹۸: ۴ / ۵۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۶۴) یا اینکه آفرینش غیر از تقدیر روزی است، از این رو جمع کردن این دو با یکدیگر که هشت روز می‌شود، درست نیست و دو روز دیگر که مربوط به آفرینش میان آسمان‌ها و زمین است، قرآن آن را مسکوت گذاشته است. (قرآتی، ۱۳۸۰: ۱۰ / ۳۱۶)

اگرچه استدلال این دسته از مفسران که «اربعه ایام» را از حوزه خلقت خارج ساخته درست به نظر می‌رسد اما در پاسخ به اینکه معتقدند خدا بنا نداشته است که شش روز آفرینش را در سوره فصلت تفصیل دهد، باید گفت اگر خدا می‌خواست در سوره فصلت تنها دو یا چهار روز را بیان کند می‌توانست تنها به همان اشاره کند و از تفاوت آن، تعداد خلقت سایر دوران‌ها قابل استنتاج می‌شد، درحالی‌که قرآن طوری سخن گفته است که در این آیات، ظاهراً هشت روز فهمیده می‌شود و این قضیه با آیاتی که به شش روز اشاره کرده است، منافات دارد، از این رو این فرضیه آنها باعث شده است که در حقیقت در مورد دو روز از مجموع شش روز سکوت کنند و در نتیجه این تعارض را حل نکرده‌اند.

عده‌ای دیگر معتقدند خدا در آیات سوره فصلت بنا داشته است که تنها به دو روز از مجموع شش روز یعنی دو روز خلقت زمین اشاره کند، اما در مورد اینکه آسمان‌ها در چند روز خلق شده‌اند هیچ بیانی در این آیات نیامده است؛ زیرا در تمامی آیاتی که بیان می‌دارد خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز بوده است از ماده «خلق» استفاده شده اما در آیه ۱۲ به جای لفظ «خلق» از واژه «قضی» استفاده شده است، که ماده «قضی» با «خلق» تفاوت دارد و معنای تحکیم کردن و محکم کردن آسمان‌ها را دارد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد این استدلال که خدا بنا نداشته است شش روز را تفصیل دهد استدلال ضعیفی است، زیرا در صورت صحت این نظر، نباید طوری سخن می‌گفت که برداشت‌های متفاوتی از آیات می‌شد؛ به تعبیر دیگر اگر در این آیات تنها به خلقت زمین در دو روز اشاره می‌شد این استدلال درست بود؛ زیرا از مابه‌التفاوت شش روز، قابل استنباط بود که چهار روز دیگر مربوط به آفرینش آسمان‌ها بوده است همچنین در مورد اینکه استوار کردن کوه‌ها و تقدیر اقوات را از حوزه خلق خارج ساخته صحیح است؛ زیرا این مسئله مربوط به تغییر و تحولات زمین است نه اصل خلقت، اما در مورد آیه ۱۲ باید گفت: «قضی» با توجه به آیه «وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره / ۱۱۷) به معنای امر و اراده خدا است؛ به تعبیر دیگر، تکیه آیه بر این است که

خدا اراده کرده است هفت آسمان ایجاد شود؛ زیرا به انواع حالات می‌توانست آنها را ایجاد کند (آسمان‌های پنج‌گانه، هشت‌گانه و ...) اما در این میان آسمان‌های هفت‌گانه را مقرر کرده بود که در عالم خلق تشکیل آنها دو روز را به خود اختصاص داده است و همین هم در حوزه امر و اراده خدا است به این معنا که خدا اراده کرده بود که تشکیل آسمان‌ها در عالم خلق در دو روز محقق شود، همان‌طور که در خود آیه به آن تصریح شده است.

۲. دسته‌ای دیگر از مفسران با در نظر گرفتن اینکه آیات سوره فصلت نیز هماهنگ با آیات دیگر تنها باید شش روز خلقت آسمان‌ها و زمین را بیان کند معتقدند که خدای متعال بنا داشته است همان شش روز را تفصیل دهد، از این‌رو «اربعه ایام» را به‌عنوان تتمه خلقت تفسیر کرده‌اند؛ یعنی این چهار روز، تتمه دو روز دیگر است که گروهی این چهار روز را تتمه دو روز خلقت زمین در نظر گرفته‌اند؛ یعنی در دو روز اول از این چهار روز، زمین آفریده شد و در دو روز بعد سایر خصوصیات زمین. نظیر این تعبیر در زبان عرب و تعبیرات فارسی نیز وجود دارد که گفته می‌شود: از اینجا تا مکه ده روز طول می‌کشد و تا مدینه پانزده روز؛ یعنی پنج روز فاصله مکه و مدینه است و ده روز فاصله تا مکه. (الوسی، ۱۴۱۵: ۱۲ / ۳۵۴؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۷ / ۶۱؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۶ / ۱۵۶؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۲۶؛ بروسوی، بی‌تا: ۸ / ۲۳۴؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۸ / ۵۱۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۸۸؛ سورآبادی، ۱۳۸۰: ۴ / ۲۲۱۶؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴ / ۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۷؛ طوسی، بی‌تا: ۹ / ۱۱۲؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۱ / ۴۱۶؛ عاملی، ۱۳۶۰: ۷ / ۴۲۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۵۴۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۱ / ۴۳۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۸ / ۱۷۵؛ مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۲ / ۱۷۵؛ مراغی، بی‌تا: ۲۴ / ۱۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۲۲۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۶ / ۴۷۸؛ همو، بی‌تا: ۱ / ۶۳۰؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰: ۷ / ۳۲۵) و گروهی دیگر معتقدند تتمه خلقت آسمان‌ها است، به تعبیر دیگر دو دوران تقدیر اقوات و دو دوران تشکیل آسمان‌ها با یکدیگر متداخل هستند در این صورت، همه دوران‌ها شش دوران می‌شوند نه هشت دوران. (قرشی، ۱۳۷۷: ۹ / ۴۱۰؛ گنابادی، ۱۴۱۰: ۴ / ۳۳؛ مدرسی، همان: ۱۲ / ۱۷۵) درحالی‌که اگر قرار بود چهار روز مذکور در آیه ۱۰ فصلت در دو روز آفرینش زمین و یا آسمان متداخل باشد پس چه لزومی داشت به‌طور مستقل به بیان تعبیر «أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ» بپردازد، ثانیاً این مفسران برای این نظر که اربعه ایام متداخل در دو روز آسمان‌ها و زمین است قرینه‌ای ذکر نکرده‌اند، بنابراین با در نظر گرفتن چنین نظری مستقل آوردن «اربعه ایام» نوعی، بیهوده‌گویی تلقی می‌شود که از کلام الهی به دور است.

در همین رابطه برخی «اربعه ایام» را از حوزه خلق خارج ساخته و آن را به فصول چهارگانه معنا کرده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۱ / ۴۷۸؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۲۷۷) و با در نظر گرفتن دو روز خلقت زمین «خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ» در آیه ۹ و دو روز خلقت آسمان‌ها «فَقَضْنَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ» در آیه ۱۲ که به مدت خلقت آنها تصریح شده است و مجموعاً چهار روز می‌شود، صادقی تهرانی، دو روز باقیمانده را به تزئین آسمان دنیا به ستارگان ربط داده است «وَوَزَّيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ» (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۱ / ۴۷۸)

درحالی که تزیین آسمان دنیا با ستارگان ربطی به خلق ندارد، بلکه مرحله تکاملی خلقت است نه اصل خلقت و کاشانی نیز بدون هیچ گونه تفصیلی آن را به خلقت آسمانها ربط داده است؛ یعنی در مجموع چهار روز را مربوط به خلقت آسمانها می‌داند. (کاشانی: ۱۴۱۰: ۳ / ۱۲۷۷)

حال با توجه به بررسی آراء و اینکه در آیه ۱۰ جعل روایی و تقدیر اقوات که در چهار روز انجام شده است مکمل خلقت است نه اصل خلقت که بسیاری از مفسران نیز به آن اشاره کرده‌اند، باید به دنبال آن بود که دو روز دیگر در ادوار آفرینش آسمانها و زمین که خدای متعال در سوره فصلت آن را مسکوت گذاشته به چه دوره‌ای مربوط است تا با تعبیر سته ایام در آیات دیگر هماهنگ باشد.

پاسخ سؤال این است که در حد فاصل خلقت زمین «قُلْ أَيْنَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ...» و خلقت کل سیستم «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ...» یک فاصله زمانی بوده است که قرآن به طور صریح به آن اشاره نکرده است و آن دو دوره‌ای است که مربوط به اتیان آسمانها و زمین است که در آیه ۱۱ به آن اشاره شده است: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ».

یکی از قرائنی که در این آیه کمک می‌کند تا ثابت شود دو دوره باقیمانده مربوط به آیه ۱۱ است، واژه «ثم» است که نشان از یک مرحله دارد؛^۱ زیرا تشکیل آسمانها و سازمان دهی آنها بدون مقدمه نبوده است و به مقداری زمان نیاز داشته است، همانطور که در آیه مذکور به مرحله دخان بودن آسمان اشاره کرده است: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» پس هنگامی که دخان می‌خواهد به هفت آسمان تبدیل شود و اجرام شکل بگیرند باید از حالت گاز به حالت انجماد در آید، به همین خاطر خدا آنها را امر به آمدن کرده است: «فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» و «مقصود از امر شدن آسمان و زمین به آمدن و پاسخ آنها که گفتند: ما در حال فرمان برداری می‌ایم، این است که خدا ایجاد و هستی آنها را اراده کرده و آنها از اراده خدا امتناع نکردند و همان طور که خدا خواسته بود، هستی یافتند» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴ / ۲۶) بنابراین تسلیم بودن آسمان و زمین نسبت به دستور خدا در این آیه به صورت تکوینی بوده و منظور همان تبدیل شدن دخان به اجرام است و چون این جریانی که خدا آن را مسکوت گذاشته است با پارامتر زمان عجین شده و نیاز به گذشت زمان دارد، می‌توان آن را از مقدار تفاوت (فی سته ایام) و چهار روز مذکور در آیات فصلت: «خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ» و «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي

۱. «ثم» اغلب برای تأخیر در زمان می‌آید اما گاه به معنای تأخیر در بیان است. اگر به معنای نخست باشد مفهومش این است که آفرینش آسمانها بعد از خلقت زمین و آفرینش کوهها و معادن و مواد غذایی صورت گرفته است و اگر به معنای دوم باشد، هیچ مانعی ندارد که در ابتدا آسمانها و سپس زمین آفریده شده باشد اما، به هنگام بیان کردن، نخست از زمین و اوراق و منابع آن، که مورد توجه و نیاز انسانها است، شروع کرده و سپس به شرح آفرینش آسمانها پرداخته است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۲۲۷)

یَوْمَئِینِ» استنباط نمود؛ یعنی این فرآیند (اتیان) نیز دو روز را به خود اختصاص داده است.

از سوی دیگر، این آیه با علم امروز نیز هماهنگ است؛ زیرا آنچه از نظر دانشمندان محقق است «جهان، یک صد هزارم ثانیه بعد از آغاز، توده‌ای بود جوشان از ذرات و اشعه، شوربایی متلاطم که در آن پیوسته جفت‌های ذره - پادذره از فوتون‌های پر انرژی خلق می‌شدند و پیوسته یکدیگر را از میان می‌بردند و فوتون‌های پرنرژی را ایجاد می‌کردند، در دمای 10^{11} درجه کلون که فقط یک‌صدم ثانیه از انفجار بزرگ می‌گذشت کارها نظم بیشتری می‌یافت؛ زیرا جهان آنقدر انبساط یافته بود که دیگر چگالی اشعه در هر نقطه به اندازه‌ای نبود که بتواند ذرات نامأنوس تر را ایجاد کند. فقط جفت‌های الکترون - پوزیترون، نوترینو - پاد نوترینوی بی‌جرم و فوتون‌ها به‌قدر کافی سبک بودند که بتوانند دخالتی دائمی در توازن ماده و اشعه داشته باشند. تقریباً در ۱۴ ثانیه پس از انفجار بزرگ دمای جهان به حدود سه هزار میلیون درجه کلون نزول کرده بود و حتی ایجاد الکترون‌ها و پوزیترون‌ها نیز به انرژی زیادی نیاز داشت که اشعه تضعیف شده فاقد آن بود. به دلیلی ناشناخته بخش کوچکی از آنها به‌جا ماند و چون دما به هزار میلیون درجه کلون نزول کرد بسیاری از پروتون‌ها و نوترون‌ها در یکدیگر گداختند و هسته‌های هلیوم را پدید آوردند و در پایان چهار دقیقه اول دیگر نوترون آزادی به‌جا نمانده بود. حدود ۷۵ درصد از جرم جهان به‌صورت پروتون‌ها و الکترون‌ها (که سرانجام به‌هم پیوسته و اتم‌های ئیدروژن را به‌وجود آوردند) در آمده و ۲۵ درصد جرم باقیمانده به هلیوم تبدیل شده بود. نیروی گرانش موجب شد تجمع‌هایی در گازهای ئیدروژن و هلیومی که جهان را می‌انباشت صورت پذیرد. سپس این تجمع‌ها انقباض یافتند و ابرهای متراکمی از گاز را به‌وجود آوردند. در این ابرها نیز قسمت‌های کوچکتری منقبض شدند و ستارگان را پدید آوردند». (گریبن، گرین، کلات فلتر، دیویس، پی جلز، گلر، والدراپ، اسلام، ریس، ۱۳۶۳: ۳۷ - ۳۵)

موریس بوکای در این رابطه می‌نویسد: «متخصصان فیزیک در مورد تشکیل منظومه شمسی به درجه‌ای عالی از معرفت درباره جریان کلی خلقت رسیده‌اند که می‌تواند چنین خلاصه شود: ۱. تکائف و تراکم توده‌ای گاز در حال چرخش، ۲. انفکاک آن به‌صورت پاره‌هایی با استقرار خورشید و سیارات از جمله زمین». (بوکای، ۱۳۵۹: ۲۰۳)

همچنین ویلیام هاو کینگ در کتاب *تاریخچه زمان* چنین می‌نویسد: «گازهای ئیدروژن و هلیوم موجود در کهکشان به پاره‌های ابر مانند تقسیم می‌شدند که تحت اثر گرانش خود در هم فرو می‌نشستند، سپس در اثر درجه حرارت بالا واکنش‌های هسته‌ای شروع شد و ستارگانی مانند خورشید تشکیل شد. خورشید ستاره نسل دوم یا سوم است که حدود پنج هزار میلیون سال قبل، از ابر متشکله از گاز چرخانی که محتوی سوپر نوواهای پیشین بوده است به وجود آمده است». (ویلیام هاو کینگ، ۱۳۷۵: ۱۴۹ - ۱۴۵)

نتیجه

راه حل‌های مفسران برای رفع ناهماهنگی و تعارض ظاهری آیات مرتبط با خلقت جهان در شش دوره، قانع‌کننده

نبوده و بر این اساس که در آیات ۱۲ - ۹ سوره فصلت، دو روز مربوط به خلقت زمین (آیه ۹) و دو روز، مربوط به خلقت آسمان‌های هفت‌گانه (آیه ۱۲) می‌باشد که به‌طور صریح به آنها اشاره شده است، دو روز باقیمانده مربوط به اتیان آسمان‌ها و زمین می‌باشد که در آیه ۱۱ به‌طور غیر صریح اشاره شده است لذا در آیات مذکور هیچ گونه تضاد و ناهماهنگی با سایر آیاتی که ناظر بر خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز است وجود ندارد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- بروجردی، سید محمدابراهیم، ۱۳۶۶، *تفسیر جامع*، تهران، صدر.
- بروسوی، اسماعیل، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، *معالم التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بوکای، مورس، ۱۳۵۹، *مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم*، ترجمه ذبیح الله دبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ ق، *روان جاوید*، تهران، برهان.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، میقات.
- حسینی همدانی، محمد ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران، کتابفروشی لطفی.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، ۱۳۷۱، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران، امیر کبیر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۱۹ ق، *ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۰، *تفسیر سورآبادی*، تهران، فرهنگ نشر نو.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ ق، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، تهران، بینادل.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، ترجمه مترجمان، تهران، ناصر خسرو.
- _____، ۱۳۷۷، جوامع الجامع، ترجمه مترجمان، تهران و قم، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
- عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰، عاملی، تهران، صدوق.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران، صدر.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، أحسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، قم، دار الکتاب.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- کاشانی، محمد بن مرتضی، ۱۴۱۰ ق، تفسیر المعین، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- گریبین، جان، لویس گرین، بریل کلات فلتر، پاول دیویس، هاینس بی جلز، مارگارت گلر، میچل والدراپ، جمال اسلام و مارتین ریس، ۱۳۶۳، انفجار بزرگ (از آتشگویی آغازین تا پیدایش کهنکشانها)، ترجمه محمدرضا خواجه پور، شمیران، دنا (دانش امروز).
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۱۰ ق، بیان السعادة فی مقامات العباد، ترجمه رضا خانی و حشمت الله ریاضی، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- مدرسی، سید محمدتقی، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، ترجمه جمعی از مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، تفسیر روشن، تهران، نشر کتاب.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، الکاشف، تهران، دار الکتاب الاسلامیه.
- _____، بی تا، تفسیر المبین، تهران، بنیاد بعثت.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- میرزا خسروانی، علیرضا، ۱۳۹۰، خسروی، تهران، اسلامیه.
- نجفی خمینی، محمدجواد، ۱۳۹۸ ق، آسان، تهران، اسلامیه.
- ویلیام هاو کینگ، استفن، ۱۳۷۵، تاریخچه زمان، ترجمه حبیب الله دادفرما و زهره دادفرما، تهران، کیهان.

الأساليب الخاصة لأهل البيت عليهم السلام في تفسير مفردات القرآن

* حسن اصغرپور

** مجيد معارف

*** خليل پرويني

الخلاصه

لاشكّ في أنّ أهل البيت عليهم السلام وبشهادة القرائن العقلية والنقلية، هم القرآن الناطق والورثة الحقيقيين لعلوم ومعارف رسول الله صلى الله عليه وآله. هناك في الأحاديث الشيعية، نصوص ومقتطفات تثني علي أهل البيت عليهم السلام بوصف «أمراء الكلام». وبما أنّ فهم معاني الكلام يتوقف علي فهم كلمة أو كلمات، من الطبيعي أن امعان النظر وتقصى الآراء التفسيرية لأهل البيت عليهم السلام في تبين معني أو معاني مفردات القرآن الكريم يكتسب أهمية بالغة في تفسير القرآن. هناك أساليب مختلفة في تفسير مفردات القرآن، منها الأساليب الأربعة التالية: الاسلوب التأويلي، واسلوب توسيع أو تضيق المعني، والبيان الغائي والتصويري. وهذه هي الأساليب التي يختصّ بها تفسير أهل البيت عليهم السلام لمفردات ألفاظ القرآن. يأتي هذا البحث علي شرح كلّ اسلوب ويقدم لها أمثلة ونماذج من التراث التفسيري لأهل البيت عليهم السلام، مع إثبات الأصل القرآني لبعض هذه الأساليب.

الألفاظ المفتاحية

مفردات القرآن، التفسير الأدبي، التفسير الروائي، الأساليب التفسيرية، اسلوب أهل البيت عليهم السلام.

h.asgharpour@shahed.ac.ir

maaref@ut.ac.ir

k.parvini@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٥/٠٨/٢٧

*. استاذ مساعد في جامعة شاهد (الكاتب المسؤول).

** استاذ في جامعة طهران.

*** استاذ مشارك في جامعة تربية المدرسين.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/١٢/٢٥

تبيين مصاديق «أهل البيت» في آية التطهير ونقد رأى الألوسى

ميثم دوست محمدى*

رضا نوروزى**

الخلاصه

آية التطهير من أكثر الآيات القرآنية المثيرة للجدل بين مفسرى الفريقين. الشيعة وبناءً على ما لديهم من أحاديث متواترة عن رسول الله ﷺ، يرون أن مصاديق «أهل البيت» في هذه الآية تنحصر في النبي ﷺ، وعلى، وفاطمة، والحسن، والحسين ﷺ. وأما الألوسى وهو من مفسرى أهل السنة فهو يرى، انطلاقاً من مقتضى سياق الآيات وبعض أحاديث النبي ﷺ، أن دائرة مصاديق «أهل البيت» أوسع وأشمل من أزواج وأبناء وأقارب النبي ﷺ وحتى أقطاب الصوفية. يتناول هذا البحث النظر في شروط استخدام وتطبيق السياق في التفسير وتمحيص للأحاديث الواردة عن رسول الله ﷺ من وجهة نظر علماء أهل السنة، وينتقد الرأى الذى ينكر انحصار مصاديق أهل البيت فى أصحاب الكساء، ويستعين بالأحاديث الصحيحة الموجودة فى مصادر أهل السنة، ليثبت انحصار مصاديق هذه الآية فى أصحاب الكساء.

الألفاظ المفتاحية

الآية ٣٣ من سورة الأحزاب، آية التطهير، أهل البيت، الألوسى، أصحاب الكساء.

*. طالب دكتوراه فى تدريس المعارف الإسلامية، جامعة طهران (الكاتب المسؤول). mdoostmdoost@gmail.com

** استاذ مساعد فى قسم المعارف الإسلامية، جامعة قم. r.nourouzy@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٥/١٢/١٩

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٣/١٢

أضواء علي دعوة النبي الكريم ﷺ علي أساس الآية ٢١٤ من سورة الشعراء، والآية ٩٤ من سورة الحجر

مجتبي محمدى *

ابوالفضل خوش منش **

الخلاصه

الرأى المشهور فى ما يخص الآيتين: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، و«فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» هو ان الآيتين المذكورتين تشيران الي بداية مرحلة جديدة من دعوة النبي محمد ﷺ الي الإسلام، وهو ما يُعرف بدور الدعوة العلنية. وفقاً لهذه الرؤية فإن النبي ﷺ قد أمر - من بعد نزول هاتين الآيتين - بإنهاء مرحلة الدعوة السرية والبدء بمرحلة الدعوة العلنية. لكن هذه الرؤية تكتنفها اشكالات كثيرة منها أن الروايات التي تؤيدها تعجّ بتناقضات كثيرة، فضلاً عن أنها لا تنسجم مع ترتيب نزول السور القرآنية. وبالإضافة الي كل ذلك فإن هذه الرؤية تتعارض مع محتوى ومضامين آياتٍ وردت فى سياقٍ جزئى ومع قالب سورتي الشعراء والحجر، وكذلك مع محتوى سور قرآنية اخرى من حيث الصياغة والسياقات العامة. فلو أخذنا بنظر الإعتبار السير التاريخي والمنطقي لآيات وسور القرآن الكريم فإننا نتوصل الي نتيجة مفادها أن الآيات المذكورة ليست لها أدني صلة بإنهاء الدعوة السرية والبدء بالدعوة العلنية. فهذه الآيات، نزلت من بعد السنة السادسة للبعثة وفيها أمر للرسول ﷺ بمواصلة الدعوة العلنية بكلّ عزمٍ وحزمٍ وثبات رغم وجود الكثير من المشاكل والموانع التي تقف أمام مسيرة الدعوة الي الإسلام.

الألفاظ المفتاحية

الآية ٢١٤ من سورة الشعراء، الآية ٩٤ من سورة الحجر، الدعوة السرية، الدعوة العلنية.

mojtaba.mohammadia@gmail.com

manesh88@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧

*. طالب دكتوراه فى جامعة طهران (الكاتب المسؤول).

** استاذ مشارك فى جامعة طهران.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٥/٢٤

ماهية حقيقة الملكوت في القرآن الكريم مع تحليل لرأى المفسرين

مهناز عباسي*

فريده بهرامى**

الخلاصه

كانت ماهية الملكوت والامور المتعلقة به موضع بحث المفسرين والباحثين القرآنيين. منشأ هذا البحث منبثق من الآيات التالية: الآية ٨٣ من سورة يس، والآية ٨٨ من سورة المؤمنون، والآية ٧٥ من سورة الأنعام، والآية ١٨٥ من سورة الأعراف، التي تحدتت عن الملكوت بصراحة. وكان هذا مما أدّى الي ظهور آراء شتّى حول الملكوت. نحاول في هذا البحث تسليط الضوء علي «ماهية الملكوت» والامور المتعلقة به، من منظار الآيات القرآنية أولاً، ثم استجلاء وتبيين أهم الآراء المطروجة في هذا المجال. هنالك ثلاثة آراء مطروحة بين المفسرين في تفسيرهم للملكوت، وهي قولهم: إنّ الملكوت هو الجانب العمومي للشهود، والملكوت أمر باطنى، والملكوت مقام قرب يختص به أولياء الله. الرأى الثانى يقدّم تفسيراً واضحاً فضلاً، عن كونه رأياً جامعاً ويمكن حملها علي آيات الملكوت، فهو يأخذ معنيّ عينياً لكلمة الملكوت يحول دون حملها علي معنيّ اعتبارى. تري وجهة النظر هذه أن الملكوت أمر باطنى في نظام العرش الإلهى يُعبّر فيه عن صورة انتساب الأشياء الي الله تعالى من حيث العلاقة التدبيرية بينها، وهي مرتبطة بمفاهيم الأمر الإلهى، والهداية، والإمامة، واليقين، والعرش.

الألفاظ المفتاحية

آيات الملكوت، الوجه الباطنى، الحقيقة، تدبير الامور.

abbasi_m89@yahoo.com
bahramifaride@gmail.com
تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٩/٢٩

*. استاذة مساعدة في قسم المعارف الإسلامية، جامعة الزهراء (ع).
**. خريجة ماجستير من جامعة قم.
تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/٠٣/٠٥

تأثير معرفة جغرافية «بابل» في تفسير الآية ١٠٢ من سورة البقرة

سيده سميّه خاتمي سبزوارى*

سيد محمد مرتضوى**

الخلاصه

من آيات القرآن الكريم التي يلقها الغموض لدى المفسرين الآية ١٠٢ من سورة البقرة. في هذه الآيات عدة امور تسترعى الانتباه، وفيها خلاف حول مكان بابل، ونزول هاروت وماروت، وكيفية السحر، وما هو المقصود بالشياطين، غير ان وجود كلمة «بابل» هنا يساعد كثيراً علي تبديد شيء من الغموض وحل هذه الاختلافات في الرؤي. وردت كلمة بابل مرة واحدة في القرآن. ينطلق هذا البحث من قضية اهتمام الناس بالسحر، الذي هو الموضوع الأهم في هذه الآية، لتسليط الضوء علي الاحداث التي وقعت في هذه المدينة وكيفية نهايتها، لكي يتسني عن طريق التعرف علي بابل بشكل أوسع، الاستعانة بذلك وملاحظة مدي معرفته في تفسير الآية. هذه التأثيرات تُبحث من جانبين؛ احدهما تبين العقاب التي انتهى إليها السحرة، ليتقضي من خلال ذلك العلاقة بين السحر وبين الوقائع التي حصلت في بابل، والآخر طرح اجابات للاختلافات التفسيرية في هذا المجال.

الألفاظ المفتاحية

الآية ١٠٢ من سورة البقرة، أرض بابل، هاروت وماروت، الإختلافات التفسيرية.

*. طالبة دكتوراه في تدريس القرآن والنصوص الإسلامية، جامعة الفردوسى، مشهد. shkhatami56@gmail.com
**. استاذ مشارك في قسم المعارف الإسلامية جامعة الفردوسى، مشهد (الكاتب المسؤول). mortazavi-m@um.ac.ir
تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧ تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٥/٢٠

تحليل مقارن لرأى الفريقين فى مسألة الرجعة

علي أساس الآفة ٨٣ من سورة النمل

ابوذر رجبى*

الخلاصه

يؤمن الشيعة بمبدأ الرجعية، ولكن أهل السنة لا يؤمنون بهذا المبدأ. يستدل الشيعة بعدة أدلة علي هذا المعتقد منها ما جاء فى النصوص الدينية من آيات قرآنية واحاديث شريفة مروية عن المعصومين عليهم السلام اضافة إلي العقل والاجماع. هذه الامور اذا اضيفت إليها الوقائع التاريخية التى شهدتها الاقوام السالفة، تثبت امكان الرجعة. من الادلة التى تؤخذ بنظر الاعتبار فى هذا المجال بعض الآيات القرآنية التى تُثبت هذا الاعتقاد فى آخر الزمان. وعلي رأس هذه الآيات كما يري مفسرو الشيعة، الآفة ٨٣ من سورة النمل التى تُعرف لدي الباحثين القرآنيين الشيعة بأفة اثبات الرجعة فى زمان ظهور الامام المهدي عليه السلام. وفى مقابل ذلك توجه مفسرو أهل السنة بالنقد إلي رأى علماء الشيعة هذا. يتناول هذا البحث تمحيص رأى مفسرى الفريقين بمنتهى الدقة باسلوب تحليلى فى ما يخص دلالة الآفة المذكورة، ثم يطرح رأى مفسرى أهل السنة علي بساط النقد.

الألفاظ المفتاحية

الآفة ٨٣ من سورة النمل، آفة الرجعة، التفسير المقارن، التفسير الكلامى، الرجعة، الحشر، آخر الزمان.

abuzar_rajabi@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٩/٠٨

*. استاذ مساعد فى جامعة المعارف الإسلامية.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/٠١/١٣

الإتجاه العقلي في تفسير الآيات القرآنية من منظار الشريف الرضى والزمخشري

* محسن قاسم پور

** محمد حسن لواساني

الخلاصه

الشريف الرضى والزمخشري من المفسرين الذين تناولوا تفسير آيات القرآن الكريم انطلاقاً من اتجاه عقلي ، غير أن الإتجاه ينبثق من منطلقين متميزين عن بعضهما. توجه الزمخشري نحو تفسير الآيات منطلقاً من الاصول العقلية للاعتزال واستناداً إلي مبدأ التأويل، بينما نظر الشريف الرضى إلي الآيات في ضوء ما تمليه مكانة العقل في الفكر الشيعي، ومحدودية العقل واعتباره مجرد أداة في التفسير. النهج الذي سار عليه الشريف في تفسيره للآيتين ٧ و ٨ من سورة آل عمران، هو انه جعل القرآن محوراً مع نزعة تميل نحو التجديد؛ بينما سار الزمخشري في تعاطيه مع كلتا الآيتين تبعاً للسنة السلفية للمعتزلة. الشريف الرضى نظر إلي الآيتين ٦٠ و ٦١ من هذه السورة بنظرة تجعل الكتاب والسنة محوراً مع اخذ الجوانب الادبية بنظر الاعتبار، في حين فسر الزمخشري هاتين الآيتين استناداً إلي مصدر العقل والشواهد التاريخية. بالاضافة إلي ذلك يلاحظ في تفسيره لهاتين معالم من الفكر الكلامي للمعتزلة مصحوباً بنوع من التعصب.

الألفاظ المفتاحية

الآيتان ٧ و ٨ من سورة آل عمران، الآيتان ٦٠ و ٦١ من سورة آل عمران، التفسير الكلامي، التفسير المقارن، الشريف الرضى، الزمخشري.

*. استاذ مشارك في جامعة كاشان (الكاتب المسؤول).

** طالب دكتوراه في جامعة كاشان.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٨/٢٣

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٢/٢٥

بحث مقارن لآيات الخلود في النار من منظار العلامة الطباطبائي والفخر الرازي

كريم علي محمدى*

عبد المجيد علي محمدى**

الخلاصه

في آيات من القرآن الكريم مثل: الآية ٦٩ من سورة النساء، والآية ٦٤ من سورة الأحزاب، والآية ٢٣ من سورة الجن، والآية ١٧ من سورة الحشر، ذُكرت مدة عذاب المذنبين في النار بلفظ «خالدين فيها». موضوع خلود عذاب المذنبين، أو انتهائه وانقطاعه، المسائل المهمة التي كانت منذ القَدَم موضع اهتمام المتكلمين، والفلاسفة، والعرفاء، والمفسرين؛ قسم منهم انتهج منهج الإفراط وقال بخلود المذنبين في العذاب الدائم. ووقع قسم آخر في التفريط وقال بجواز نهاية العذاب لجميع المذنبين. وفي هذا المجال انتهج كلٌّ من العلامة الطباطبائي المفسر، والفيلسوف، والعارف الشيعي البارز، والفخر الرازي المفسر والمتكلم الأشعري البارز، بتبيينهما العقلي لمسألة الخلود في العذاب، وفقاً لمبانيهما الكلامية، والتفسيرية والفلسفية، منهج الاعتدال، ورسماً حدّ الخلود في النار والخالدين فيها. البحث الذي بين أيديكم محاولة لتسليط الضوء علي أدلة ومباني هذين العالمين الكبيرين، ونقد لأهم الشبهات التي تُثار بشأن فكرة الخلود في النار.

الألفاظ المفتاحية

آيات الخلود في النار، الخلود في جهنم، التفسير الكلامي، العلامة الطباطبائي، الفخر الرازي.

Karimali_110@yahoo.com

qmajid@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧

*. استاذ مساعد في جامعة الشهيد مدني، اقليم آذربايجان.

** ماجستير من جامعة قم (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٥/١٤

عمومية زوجية الموجودات في ضوء الآية ٣ من سورة الرعد والآية ٤٩ من سورة الذاريات

روح الله نجفي*

الخلاصة

تحدث القرآن الكريم في آيات متعددة عن نظام زوجية الموجودات، حيث نصت الآية الثالثة من سورة الرعد وفقاً للرأى المشهور، علي زوجية جميع الثمار، وكذلك تحدث الآية ٤٩ من سورة الذاريات عن زوجية جميع الأشياء. يبين هذا البحث أن الآية الثالثة من سورة الرعد، يمكن تصوّر تركيب نحويين فيها، وأن هذه الآية وفقاً للرأى المشهور حول التركيب النحوي لها، تدلّ علي زوجية جميع الثمار، ولكن وفقاً لرأى غير مشهور، المراد من القرينين في هذه الآية الليل والنهار، من جهة، وبناءً علي تعبير «كلّ شيء» الذي جاء في الآية ٤٩ من سورة الذاريات، من الممكن تصور انه ينبغي البحث عن نظام الزوجية حتي في الموجودات غير الحية، في حين أن هذه الأشياء ليس فيها ذكور وإناث وليس فيها نظام زوجية من نوع آخر يمكن أن يدركه من يتوجّه إليهم القرآن بالخطاب في عهد نزوله، لكي يلفت أنظارهم الي قدرة الله. ومن هنا ونظراً لاستعمال كلمة «كلّ» للتأكيد علي الكثرة، وهو أمر شائع في أدبيات القرآن، يبدو أن المراد في الآية ٤٩ من سورة الذاريات، هو بيان كثرة وسعة ظاهرة الزوجية بين الموجودات الحية.

الألفاظ المفتاحية

الآية ٣ من سورة الرعد، الآية ٤٩ من سورة الذاريات، التفسير العلمي، عمومية نظام الزوجية.

rnf1981@yahoo.com
تاريخ القبول: ٢٠١٥/١٢/٣١

*. استاذ مساعد في جامعة الخوارزمي.
تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٤/٢٢

تفسير مقارن لآية النور

اكبر محمودى*

الخلاصه

المراد الأساسى من الـ «نور» فى الآية الشريفة المعروفة باسم آية النور، هو الهداية؛ وذلك بقريئة جملة «يهدى الله لنوره من يشاء»، وبناءً على ما جاء فى الروايات. كما ذُكرت له أيضاً معانى اخري فرعية وتصبّ فى سياق هذا المعنى. الهدف الذى أرادَه الله عزّ وجلّ من ذكر «المشكاة»، و«المصباح»، و«الزجاجة» مع ما ذُكر لها من معانٍ كثيرة، فى هذه الآية هو التشبيه لمخلوقاته بالزجاجة والمصباح والنور، لكى يصوّر لهم بمثال ملموس كيفية اشعاعه عليهم بالنور. وهذا ما يُفهم مما جاء فى نصّ الآية الشريفة: «يُضربُ اللهُ الأمثالَ لِلنَّاسِ». كما أن المقاطع والجُمْلُ الاخرى: «كأنها كوكب درى»، و«يوقد من شجرة مباركة لا شرقية ولا غربية»، و«يكاد زيتها يضىء ولو لم تمسسه نار»، و«نورٌ على نورٍ» جاءت كلّها من أجل بيان شدة إنارة ذلك المصباح والزجاجة التى هو فيها. إنّ ما يُفهم من قوله تعالى: «يهدى الله لنوره من يشاء» وهو أنه يخصّ بنوره أفراداً معيّنين، وفى ضوء ما جاء فى المقطع الأول من الآية الذى يفيد إضفاء النور على السموات والأرض، أن الله تبارك وتعالى نورين؛ نور عام، ونور خاص.

الألفاظ المفتاحية

آية النور، الآية ٣٥ من سورة النور، الآيات المتشابهة، التفسير المقارن.

*. خريج دكتوراه فى القرآن والنصوص الإسلامية جامعة المعارف الإسلامية. تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/١٠/٠٦
mahmoodiakbar24@gmail.com تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٤/٠٦